



انترناسیونال ۴۵۶

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت www.m-hekmat.com

جمعه ۱۹ خرداد ۱۳۹۱، ۸ ژوئن ۲۰۱۲ - ۱۴ صفحه

فریاد اعتراض کارگران ایران در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار پرچم جمهوری اسلامی به پائین کشیده شد

مصاحبه با شهلا دانشفر



ادامه صفحه ۲

ظهور نقی، سوال اکبر گنجی



مصطفی صابر

در تفسیر مقدمات مذهبی و حکومتی در قالب "ظهور امام نقی" و سپس ترانه "نقی" شاهین نجفی و بعد فتوای آیت الله ها در تهران، که با موجی از اعتراض و تظاهرات و اعلام بیزاری و نفرت از اسلام و حکومت قاتل آن روبرو شده، خیره کننده است. برای اولین در تاریخ مردم برای مسخره کردن علنی مقدمات اسلامی و پایین کشیدن موهومات قاتل از عرش اعلاء و به رقص واداشتن آنها در خیابانها، از ته دل هورا کشیدند. این در واقع جواب تاریخی به فتوای قتل سلمان رشدی توسط خمینی بود. این جوابی بود به محاکمات یک دقیقه ای "مسلمان هستی یا نه" و بعد اعدام. بروز گوشه ای از خشمی بود که بیش از ۳۰ سال با چماق و تیغ و تابوت و گلوله و

اینروزها از سروش و گنجی گرفته تا امثال عبدالعلی بازرگان و کدیور و تا بی بی سی و نظایر آن برای اسلام عزا گرفته اند. این عزا همراه با خوف و نگرانی عمیق است. اسلام در خطر است و کسی نمی تواند بدرستی پیش بینی کند که این خطر تا کجا پیش خواهد رفت. شاید بخاطر این ترس است که اکبر گنجی برای یک بار هم که شده سوال واقعی طرح کرده است: "آیا راه حل نابود کردن اسلام است؟" (۱) حرکت اخیر جوانان ایران

ادامه صفحه ۱۰

سوریه: انقلاب و نه جنگ دستجات مسلح

کاظم نیکخواه

بدنبال این هشدار بود که کوفی عنان طرح "آتش بس دو جانبه" را طرح نمود و از طرفین یعنی هم حکومت بشار اسد و هم نیروهای مخالف حکومت خواست که

مدتی پیش کاترین اشتون سخنگوی اتحادیه اروپا هشدار داد که ۸۰ درصد خاک سوریه از کنترل حکومت اسد خارج شده است.

ادامه صفحه ۵

بازتاب هفته

نان گران شد

محمد شکوهی

عزاداری مضاعف رژیم
در روزهای "ارتحال"

مهراب دشتی

صفحه ۴

صفحات دیگر

کنفرانس بین المللی زنان
در برزیل

بیستم ژوئن ۲۰۱۲، سی و یکم
خرداد ۱۳۹۱

روز جهانی در حمایت از زندانیان
سیاسی در ایران

برای هفتمین سال متوالی صدای
کارگران ایران در سازمان جهانی
کار طبقین انداخت

دومین روز اعتراض فعالین کمپین
برای آزادی کارگران زندانی به
حضور هیات جمهوری اسلامی در
اجلاس سالانه آی ال او

مذاکرات هسته ای در
مسکو: سازش یا تشدید
تخاصمات؟

خلیل کیوان

دو قطعه فرش نفیس
یدی کوهی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فریاد اعتراض کارگران ایران در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار پرچم جمهوری اسلامی به پائین کشیده شد



مصاحبه با شهلا دانشفر

از صفحه ۱

روز ۵ ژوئن پرچم جمهوری اسلامی از سالن برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار پائین کشیده شد. این افتضاح دیگری برای جمهوری اسلامی بود و یک بار دیگر جنایات این رژیم ضد بشری را به مردم دنیا یادآوری کرد. انترناسیونال این موفقیت را به کارگران ایران، به حزب کمونیست کارگری و به همه کسانی که این حرکت درخشان را تدارک دیدند و به انجام رساندند تبریک می گوید. اطلاعیه های مربوط به این حرکت در همین شماره انترناسیونال منتشر شده و به همین مناسبت با شهلا دانشفر یکی از سازماندهندگان این حرکت اعتراضی در مورد جنبه های دیگری از این واقعه مهم گفتگو می کنیم.

بهروز مهرآبادی

انترناسیونال: برای هفتمین بار است که فعالین حزب کمونیست کارگری که در محل برگزاری اجلاس سالانه آی ال او حضور می یابد و آنجا را به صحنه اعتراض خود تبدیل میکنند، شما از سازماندهندگان این حرکت هستید. برای خوانندگان انترناسیونال بگوئید که چه اهمیتی برای این حرکت قائل هستید؟

شهلا دانشفر: ببینید، آکسیونهای اعتراضی که هر سال ما در سازمان جهانی کار داشته ایم، منحصر به فرد است. اعتراضی است که در برابر چشمان هزاران نماینده از کشورهای سراسر جهان

صورت میگیرد و به سطح مدیای جهانی کشیده میشود. در این حرکت اعتراضی بطور واقعی این صدای اعتراض کارگران و مردم ایران است که با شعار "جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود"، طنین می اندازد و این شورانگیز است. همانطور که اشاره کردید، این هفتمین سال است که ما به آنجا میرویم و اعتراض خود را به مداخلات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی و حضور هیات رژیم اسلامی در آنجا اعلام میکنیم. تصاویر کارگران زندانی را در مقابل چشمان جهانیان قرار می دهیم و خواهان آزادی فوری آنان از زندان میشویم. این فرصتی است که هر ساله ما توانسته ایم از آن برای اعلام انزجار کارگران ایران نسبت به جمهوری اسلامی، بخوبی استفاده کنیم.

امسال نیز ما از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و کمپین برای آزادی کارگران زندانی به تدارک چنین آکسیونی در محل اجلاس سازمان جهانی کار رفتیم. جالب است که بگویم آنها که با حضور هر ساله ما در اجلاس هایشان روبرو شده اند، هر سال تمهیدات امنیتی شان را شدت بیشتری میدهد. از جمله از سال گذشته دیگر برای روز اول که روز پلنوم بزرگ کنفرانس سالانه آی ال او است، کارت ویزیتوری ندادند. اما با وجود این ما سال گذشته توانستیم با تمهیداتی کنترل های شدید مسئولان برگزاری اجلاس را خنثی کنیم و به سالن اصلی برویم و آنجا را به صحنه اعتراض خود تبدیل نماییم. عکس بهرام سروش در حالیکه عکس کارگران زندانی را در دست داشت به سطح رسانه های بین المللی رفت. امسال ناگزیر بودیم که از تاکتیک دیگری استفاده کنیم تا به آنجا راه یابیم و باز آنها را غافلگیر کنیم. از اینرو برای

آکسیون خود روز دیگری را انتخاب کردیم که برای مامورین امنیتی اجلاس غیر منتظره باشد. ما محل کافه تریای کنفرانس را در ساعتی که نمایندگان برای استراحت فاصله جلسات به آنجا می آیند، برای اینکار انتخاب کردیم. انتخاب ما درست بود، در زمانی که محل از نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس پر بودند و اعضای هیات جمهوری اسلامی نیز در آنجا دیده میشدند، پاسکال دکامب یکی از رفقای که در این حرکت اعتراضی شرکت داشت با شعار "جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود"، به همراه یک رفیق دیگر پلاکارد قرمزی با همین شعار را در وسط محوطه بدست گرفتند. توجه نمایندگان به آنها جلب شد. آنها از این حرکت استقبال کرده و چند نفرشان عکس و فیلم می گرفتند. بعد نیز وقتی مامورین امنیت سالتی رفیقی را از سالن بیرون میبردند، رفیقی دیگر با عکس کارگران زندانی به جلو می آمد و شعار میداد. بدین ترتیب مدت یکساعت این آکسیون ادامه یافت. همزمان دوستان ما در محل آکسیون اطلاعیه هایی را که در آن بر خواسته هایمان تاکید گذاشته بودیم پخش کردند و این حرکت انعکاس خوبی در میان نمایندگان شرکت کننده در اجلاس داشت.

حرف ما در این اعتراضات اینست که کسانی که به اسم هیات جمهوری اسلامی در اجلاس هستند، نمایندگان کارگران و مردم ایران نیستند، بلکه سرکوبگران و قاتلان مردم هستند. ما با این کار و با جلب توجه جهانیان به سازمان ملل و سازمان "آی ال او" که در واقع شعبه ای از آنست و نیز به همه دولتهای جهانی اعلام می کنیم که اجازه نمیدهیم با سیاستهای سازشکارانه و مداخلات جویانه خود در مقابل مبارزات انقلابی مردم ایران بایستند. ما اعلام می کنیم

جای این رژیم اعدام و سرکوب در این سازمان، سازمانی که خصوصاً به اسم کارگر سخن میگوید، نیست، بلکه پشت میز محاکمه است. این حرف کارگران و مردم ایران است. بارها کارگران در ایران با نامه های اعتراضی خود به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس جهانی کار اعتراض کرده اند و خوشبختانه امروز می بینیم که خواست اخراج آن از سازمان جهانی کار به گفتمان وسیعی تبدیل شده است و ما تا همین جا موفقیت های خوبی داشته ایم. اهمیت و جایگاه این حرکت اعتراضی ما بویژه در متن اوضاع پر التهاب جامعه ایران و فضای انفجاری جنبش کارگری، بیشتر قابل مشاهده است.

در این دو ساله حرکت دیگری که موجب تقویت و انعکاس بیشتری حضور اعتراضی ما در اجلاسهای آی ال او شده است، فراخوان از سوی فعالین اتحادیه های کارگری در فرانسه برای تجمع در مقابل مقر سازمان جهانی کار در اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در آنجا است. امسال نیز در ۶ ژوئن یعنی روز بعد از آکسیون اعتراضی ما در محوطه داخل اجلاس آی ال او انجام گرفت و ما نیز در این آکسیون شرکت داشتیم. حبیب رضایی از اعضای سابق شرکت واحد که به همراه هیات کمپین برای آزادی کارگران زندانی به آنجا رفته بود، از جمله سخنرانان آن بود.

واقعیت اینست که امروز جمهوری اسلامی بیش از هر وقت در سطح جهانی منزوی است. خیزش انقلابی مردم ایران در سال ۸۸، مبارزات هر روزه مردم علیه این رژیم، انقلابات کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه، مضمون گفتمان های جهانی را در مورد ایران و به یک اعتبار در مورد همه

کشورهایی که اکنون علیه دیکتاتورها بپا خاسته اند، قرار داده است. از سوی دیگر در همین چند ساله شاهد روزهای همبستگی با مردم ایران از سوی اتحادیه های کارگری و سازمانهای انسانیست در سراسر جهان بوده ایم. در چنین فضایی است که ما در سازمان جهانی کار اعتراض خود را اعلام کرده و از اتحادیه های کارگری می خواهیم که به دولت های خود و به سازمان جهانی کار فشار بیاورند تا مرادفات سیاسی خود را با جمهوری اسلامی قطع کنند، سفارت خانه های ما را ببندند، نمایندگان آن را از آی ال او اخراج کنند، و غیره. این فشارها بر روی جمهوری اسلامی سنگین است. بویژه در شرایطی که جامعه چنین در تب و تاب است و خودشان چنین از هم پاشیده و به جان هم افتاده اند.

بعلاوه در سطح جهانی نیز یک جنبش وسیع علیه کاپیتالیسم، جنبشی که خود را جنبش اشغال می نامد و شعارش همه قدرت بدست ما ۹۹ درصدی هاست آغاز شده است. و شاهد گسترده ترین اعتراضات کارگری در سطح جهانی علیه سیاست های ریاضت اقتصادی دولتها، هستیم. در چنین شرایطی زمینه های همبستگی جهانی کارگری بیشتر است و همین رو انعکاس اخبار اعتراضات مردم و کارگران یک راه موثر جلب توجه بدنه کارگری اتحادیه ها و افکار عمومی جهانی و جلب همبستگی بین المللی سازمانها و اتحادیه های کارگری در سطح جهان است. برای مثال در همین آکسیون روز ۶ ژوئن یکی از اعضای اتحادیه کارگری در الجزایر که از جمله سخنران این حرکت بود، در سخنانش از اتحاد کارگران ایران و

ادامه صفحه ۷

مذاکرات هسته ای در مسکو: سازش یا تشدید تخاصمات؟



خلیل کیوان

روزهای ۱۷ و ۱۸ ژوئن مذاکرات کشورهای ۱+۵ و جمهوری اسلامی در مسکو برگزار میگردد. آیا اینبار توافقی حاصل خواهد گشت؟ در صورتیکه توافقی صورت نگیرد اوضاع به کدام سمت کشیده خواهد شد؟

مذاکرات ژنو به بن بست کشیده شد. در کنفرانس استانبول که در آوریل سال جاری و پس از یک وقفه چهارده ماهه از مذاکرات ژنو برگزار شد، توافق شد که مذاکرات بعدی در بغداد برگزار گردد. در کنفرانس استانبول طرفین مذاکره از اینکه صرفاً دریچه مذاکره باز نگه داشته شد، ابراز خوشنودی کردند. پس از دو روز کار فشرده در کنفرانس بغداد، اعلام شد که توافق شده است که نشست بعدی در ماه ژوئن در مسکو برگزار گردد اما اینبار، خوشنودی در کار نبود. مذاکرات بغداد شکاف‌ها را آشکاتر کرد. در کنفرانس مطبوعاتی گفته شد که فضای مذاکرات بعدی سنگین بود که طرفین بارها تا قطع کامل مذاکرات پیش رفته اند. یکی از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی که در این مذاکرات حضور داشت گفت: از نظر محتوایی مذاکرات بغداد یک شکست بزرگ بود. در نشست بغداد، غرب با

دست پرتر و آماده‌تر در مذاکرات حضور یافت. تبلیغات جنگی و گفتمان حمله نظامی و مهمتر از همه، تحریم‌ها، موقعیت محکمتری نسبت به مذاکرات قبلی برای غرب ایجاد کرده بود. در آستانه نشست بغداد، غرب رئیس آژانس انرژی اتمی، یوکیو آمانو را به تهران فرستاد تا جمهوری اسلامی را برای همکاری در زمینه هسته ای محک بزند. حتی حواس شان بود که خانم کاترین اشترون وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا و رئیس هیئت مذاکره کننده ۱+۵ را با مانتو بلند و گشاد روانه سالن کنفرانس نمایند تا مبادا نوع پوشش این "زن" اثر منفی بر مذاکرات داشته باشد! اما، علیرغم همه این تمهیدات، بسته پیشنهادی غرب به مذاق جمهوری اسلامی خوش نیامد و مورد قبول قرار نگرفت. در مقابل نیز، بسته پیشنهادی جمهوری اسلامی که مسائل متنوعی را در برمیگرفت، از نظر غرب نه گامی در جهت مصالحه بلکه، دشوارتر کردن و کش دادن مذاکرات و زمان خریدن برای ادامه سیاست‌های تا کنونی تلقی شد.

رئوس بسته پیشنهادی غرب شامل توقف کامل غنی سازی اورانیوم ۲۰ درصدی، خارج کردن اورانیوم غنی شده فعلی به خارج از ایران، برچیدن تاسیسات هسته ای فردو در اطراف شهر قم و اجازه بازرسی از تاسیسات هسته ای پارچین است. در بسته پیشنهادی غرب مشوق‌هایی نیز در نظر گرفته شده است. غرب تاکید کرده است که تسهیلاتی نظیر ایزوتوپ‌های پزشکی و اجزای

یدکی هواپیماهای مسافربری در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده شود و در زمینه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای نیز با آنها همکاری شود.

در بسته پیشنهادی جمهوری اسلامی بر قطع فوری تحریم‌های اقتصادی و تضمین هائی برای باقی ماندن اسد در قدرت تاکید شده است. بعلاوه، از خواست غنی سازی اورانیوم هم کوتاه نیامده اند. مسائل دیگری مانند مساله بحرین نیز در بسته پیشنهادی ایران قرار گرفته بود.

واضح است که آنچه طرفین در مذاکرات بغداد از یکدیگر طلب کرده اند عبور از خط قرمزهای یکدیگر است. از اینرو، تا تحقق یک مصالحه فاصله زیادی دارند. در واقع در مذاکرات بغداد، به یکدیگر جام زهر تعارف کردند. آیا در کنفرانس پیش رو در مسکو دوج آشتی به هم تعارف خواهند کرد؟

مساله هسته ای محمل یک جدال اساسی تر و تاریخی تر جمهوری اسلامی با غرب است. آنچه که در این مذاکرات حل و فصل میشود در واقع فراتر از مساله هسته ای است. موضوع اصلی در این مذاکرات رابطه غرب و جمهوری اسلامی است. غرب بدنبال این است که چنگ و دندان جمهوری اسلامی را، سوهان بکشد. این برای جمهوری اسلامی به معنی سر کشیدن جام زهر است. جمهوری اسلامی که ضد غربی و ضد آمریکائی نباشد و از حمایت تروریسم اسلامی دست بکشد و به جنبش ضد امپریالیستی پشت کند، انسجام و فلسفه وجودی خود را از دست خواهد داد. موقعیت آن

نزد جنبش اسلامی سیاسی و جنبش ضد امپریالیستی از دست خواهد رفت. این، سر آغازی برای پایان کار جمهوری اسلامی خواهد شد. برای حکومتی که مردم در کمین آن نشسته اند، عقب نشینی و مصالحه با غرب، کابوس ماندن یا رفتن است. برای جمهوری اسلامی سازش با غرب به معنی آغازی برای پایان آن است. این خط قرمز جمهوری اسلامی است.

نه وضعیت فعلی قابل دوام و نه سازش برای جمهوری اسلامی قابل تصور است. اما این وضع نمیتواند ادامه یابد. به این خاطر است که نه یک جنگ فوری تمام عیار و همه جانبه در دستور کار غرب میتواند قرار گیرد و نه سازش و مصالحه تمام عیار در دسترس است. مذاکرات از هر سو کشیده شود هنوز دو راهی مصالحه و سازش تمام عیار و یا جنگ فوری نمیتواند در دستور قرار گیرد. اگر کنفرانس مسکو تماما به بن بست کشیده شود و تخاصمات حادثتر هم بشود و حتی گفتمان حمله نظامی بیش از پیش برجسته شود، این هنوز به معنی شروع جنگ نخواهد بود. جنگ به ملزومات بیشتری نیاز دارد که فراهم نیست. ممکن است در کنفرانس مسکو توافقاتی هم صورت گیرد و ادامه مذاکرات تضمین شود. در این صورت هم، تشدید تحریم‌ها و بالا گرفتن گفتمان حمله نظامی از یک سو و مقاومت و وقت کشی و فرار رو به جلو برای جمهوری اسلامی میتواند مدتها ادامه یابد. ممکن است در این راه، تخاصمات گاه اوج بگیرد و گاه فرو کش نماید و سازش هائی نیز به همراه بیاورد اما، چشم انداز یک نقطه تعادل در رابطه غرب و جمهوری اسلامی، حداقل در کوتاه مدت، قابل تصور نیست. کشمکش کنونی از جهتی

دیگر فراتر از تقابل غرب و جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی و متحدین منطقه ای و جهانی آن در این کشمکش شدت منافع شان بهم گره خورده است. حمایت روسیه و چین از اسد و از جمهوری اسلامی و موقعیت حاکمین تهران در میان جنبش‌ها و سازمانهای اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه، وضعیت را پیچیده تر کرده است. اکنون ما شاهد دو قطبی کشورهای غربی و متحدین آنها از یک سو و از سوی دیگر جمهوری اسلامی، روسیه و چین و متحدین آنها هستیم. بنابراین، امر مصالحه و یا حتی شروع جنگ با موانع و دشواریهای روبروست که بر طرف کردن آنها مستلزم تحولات و چرخش‌های اساسی در سیاست‌های دو قطب درگیر این کشمکش است. بیجهت نیست که جمهوری اسلامی در آستانه برگزاری کنفرانس مسکو فعالیت‌های دیپلماتیک خود را تشدید کرده است و مقدم بر همه دیدارهایی با مقامات چینی و روسی برگزار کرده است.

محمود احمدی نژاد چهارشنبه ۶ ژوئن به چین رفت و با نخست وزیر این کشور ملاقات کرد. او با دست و دلبازی زیاد به سیاست انتقادی غرب از چین بخاطر نقض حقوق بشر در این کشور انتقاد کرد و بر گسترش روابط اقتصادی با چین تاکید گذاشت. او در این سفر قول گسترش تجارت با این کشور و ارائه تسهیلاتی برای صادرات نفت و گاز و حتی همکاری در افغانستان را، به دولت چین داد. از سوی دیگر هیئتی از جمهوری اسلامی با مقامات روسی و پوتین ملاقات کرد. همزمان ملاقاتی بین

ادامه صفحه ۷

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته نان گران شد



محمد شکوهی

اختصاص میدهد. مسکن دومین و ایاب و ذهاب سومین قلم نیازهای عمومی می باشد. با این حساب و با افزایش گرانی نان و مایحتاج عمومی، میلیونها نفر از مردم برای تامین حداقل های زندگی بخورو نمیر، چاره ای جز زدن از سایر نیازهایشان ندارند، که این تحمیل فقر و گرانی غیر قابل تحمل بر مردم می باشد.

هدفمند کردن یارانه ها همزمان با آزاد کردن قیمتها، دست بازار و واسطه ها و دولت را برای تحمیل گرانی های بیشتر برگرد مردم عملاً بازتر کرده است. در یک چنین وضعیتی دستمزدها افزایش ۱۸ درصدی داشته است که حتی با احتساب یارانه نقدی مورد ادعای رژیم و ادعای "افزایش قدرت خرید مردم" نزدیک به ۶۸ درصد مردم زیر خطر فقر ناچار به زندگی می باشند. خط فقر را رژیم از ۷۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و دویست هزار تومان اعلام کرده است. با دستمزدهای زیر ۵۰۰ هزار تومان که شامل اکثریت مردم می شود، رسماً و علناً زندگی بیش از نصف مردم زیر نان، در روزهای اخیر خیر گرانی های بین ۲۵ تا ۲۹ درصدی برق، آب و گاز نیز منتشر شده است. فاز دوم هدفمند کردن یارانه ها تا همینجا بیشترین بار و فشار را بر گرده مردم گذاشته است.

جمهوری اسلامی و دولت مسئول مستقیم همه گرانی ها و تحمیل فقر و فلاکت بر زندگی اکثریت مردم ایران می باشند. تامین یک زندگی حداقل برای شهروندان جامعه هیچ زمانی امر این جانیان نبوده است. برای پایان دادن به این همه فقر، گرانی و فلاکت در اولین قدم باید حکومت دزدان و قاتلان را به زیر کشید.*

به دنبال اعلام اجرایی شدن فاز دوم هدفمندی یارانه ها در روزهای اخیر، رسانه های حکومتی صحبت از افزایش قیمت نان کرده و به نقل از دولت اعلام کرده اند که "افزایش قیمت نان منطقه ای و استانی" خواهد شد. روز چهارشنبه رئیس اتحادیه صاحبان نانوایان ها تأیید کرد که در توافق با وزارت بازرگانی و دولت از اواخر این هفته افزایش قیمت های نان عملی می گردد. بر اساس این توافقات قیمت نان با توجه به "شرایط منطقه ای" از ۲۷ تا ۳۵ درصد افزایش خواهد یافت. رئیس اتحادیه صاحبان نانوایان ها در توجیه این افزایش قیمت گفته است: "دوران آرد و گندم یارانه ای تمام شده است و اینها آرد و گندم را با قیمت های بالاتری می خرند در نتیجه برای تامین ادامه کاری این صنعت و تولید به موقع نان مصرفی مردم، قیمت نان را افزایش می دهند." دولت و وزارت بازرگانی هم سنگ تمام گذاشته و تأیید کرده اند که این افزایش قیمت نان "قانونی" می باشد. با افزایش قیمت نان که یک قلم از کالاهای اساسی و مهم مصرفی مردم می باشد، در کنار گرانی هر روزه سایر مایحتاج عمومی، تامین زندگی حداقل برای زنده ماندن، چندین برابر گرانتر می شود. براساس آمار و ارقامی که خود حکومت ارائه داده است، تامین مایحتاج اولیه خوراکی مردم نزدیک به ۷۸ درصد دستمزد را به خود

عزاداری مضاعف رژیم در روزهای "ارتحال"

مهراب دشتی

بپردازند و صدای موسیقی در این مناطق طنین انداز شود. انبوه جمعیت در این مناطق به حدی زیاد بود که در بیشتر اوقات ماموران رژیم جرئت ابراز وجود نداشتند. این عزای دیگری برای جمهوری اسلامی و رسانه های آن بود. روزنامه ی جمهوری اسلامی ناله کنان صحنه های دهن کجی مردم به رژیم را این گونه گزارش کرده است:

"... تعطیلات اخیر که با آزادسازی مرخصی های روز شنبه، ۵ روزه شد صحنه های زشتی را در صفحات شمال کشور پدید آورد. بی بندوباری - تجمعات مختلط - پخش موسیقی مستهجن ورقص و آواز درانظار عمومی در روزهای ۱۳، ۱۴، ۱۵ خرداد به ویژه در مسیرهای عبور و مرور و اماکن تفریحی از پدیده های فراگیر بود ..."

و روز بعد نیز همین روزنامه در ستون "جهت اطلاع" نوشت: "... به گزارش خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در تعطیلات گذشته ییلاقات و ارتفاعات اطراف دریاچه ی شور اردبیل تا ییلاقات منطقه ورزن شهرستان لیشار از توابع استان گیلان پراز دسته های مرد و زن جوان بود که

وضعیت و پوشش های بسیار نامناسب داشتند و برخی از آنان اقدام به حرکات نمایشی دسته جمعی ورقص و پایکوبی در منظرعام می کردند ..."

مردم چگونه تنفر و انزجار خود از رژیم اسلامی و قوانین عقب افتاده آن نشان دهند؟ در حالی که بیکاری، گرانی، فقر، فحشا، سرکوب و اختناق و تهدیدهای دائمی ماموران سرکوب جمهوری اسلامی خنده و شادی را از لب های مردم گرفته است، اما فرصتی را که سالروز مرگ خمینی بدست می دهد، از دست نمی دهند تا با رقص و پایکوبی و نواختن موزیک، بیزاری از رژیم و ایستادگی خود را در مقابل آن به نمایش بگذارند، دیوارهای جداسازی جنسی رژیم را در هم بریزند و ضعف و زبونی رژیم را نشان دهند.

تمام تدابیر امنیتی و نیروهای سرکوب و شکنجه و زندان رژیم توانسته است مردم را از آزاد پوشی و رقص و ترانه خوانی آنها در روز هایی که رژیم هار تر از هر زمانی دیگری است، مانع شود. صحنه های پر شور رقص و پایکوبی، ترانه خوانی و کارناوال های شادی که پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به راه می افتد، بی نظیر و غیر قابل توصیف خواهد بود.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصفر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران

شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden

سوز دل هایمان ... گزارش ها و تصاویر منتشر شده از صف های طولانی انواع مختلف وسیله نقلیه و جمعیت انبوهی که در جاده های رو به شمال در حرکت بودند، بیشتر رژیم اسلامی و بنیانگذار آن را مسخره می کند.

رژیم برای پر کردن مراسم های عزاداری تعداد زیادی از پاسداران و اوباش خود را از شهرستان ها به تهران گسیل داشته بود و این فرصتی بود برای مردم تا در سواحل دریای خزر و در پارک های جنگلی مازندران و گیلان و آذربایجان به رقص و پایکوبی

سوریه: انقلاب و نه جنگ دستجات مسلح



کاظم نیکخواه

از صفحه ۱

میان کشیده شد. با گذشت یک ماه از آغاز این طرح علیرغم اینکه دولت اسد پذیرفته بود که تانکها و سلاحهای سنگین را از صحنه خارج کند و از حمله نظامی به معترضین دست بردارد، کشتارها ادامه یافت و با یکی دو عملیات تروریستی که اسد آنرا کار القاعده اعلام کرد و مخالفین آنرا توطئه نیروهای حاکم اعلام کردند، اوضاع به روال قبل یعنی حمله نظامی تمام عیار به شهرهای در حال اعتراض برگردانده شد. کشتار تکان دهنده بیش از صد نفر در شهر حوله که ۵۰ تن آنها کودکان بودند و هفته پیش جلوی چشم نیروهای "حافظ صلح" صورت گرفت، هردو طرح "آتش بس و صلح" را تماما نقش برآب کرد و فضای دیپلماتیک و گفتگو میان دولت‌های غربی و حکومت اسد به تنش تند و اخراج سفیر سوریه انجامید که دولت سوریه نیز به تلافی سفیران کشورهای آمریکا و چند کشور اروپایی را از این کشور اخراج کرد. اخیرا کوفی عنان اعلام کرد که سوریه با جنگ داخلی فاصله ای ندارد. با کمی دقت در سیاست دولتهای غربی و همچنین متحدین آنها در منطقه میتوان فهمید که این دولتها در سوریه سیاست ویژه ای را دنبال میکنند که با سایر کشورهایی که درگیر انقلاب و بحران سیاسی بوده اند متفاوت است. یک حکومت با تمام نیروی نظامی و سرکوب و دستجات اوباش مسلح تحت

فرمان خود، علیه مردم جنایت میکند و بعد اتحادیه عرب "طرح آتش بس" را به میان میکشد! بعد از آن کوفی عنان طرحی را مطرح میکند که آنرا "آتش بس دو جانبه" مینامد. گویی یک جنگ کلاسیک میان دو ارتش در جریان است و نه تعرض نظامی به مردمی که آزادی و عدالت میخواهند. دقت در این سیاست نشان میدهد که این فقط روسیه و چین و جمهوری اسلامی نیستند که خواهان حفظ حکومت اسدند، بلکه تمام دولتهای غربی و در راس آنها آمریکا از همان ابتدا نگران سقوط رژیم اسد توسط مردم بوده اند و هنوز نیز در تلاشند که با کمترین تغییرات و اصلاحات ممکن اوضاع را به روال قبل بازگردانند. سخن از جنگ داخلی و آتش بس و صلح و امثال اینها قرار است این تصویر را به جهان بدهد که این نه مردمی میلیونی علیه یک حکومت دیکتاتور و سرکوبگر، بلکه دستجات مسلح و قبایل و سکت‌های مذهبی هستند که با حکومت درگیر جنگ هستند.

اکنون بیش از ۱۴ ماه از شروع حرکت عظیم مردم سوریه برای خلاص شدن از حکومت بشار اسد میگذرد. طی این ۱۴ ماه بنا به گزارشها حدود ۱۳ تا ۱۴ هزار نفر از مردم کشتار شده اند. حکومت اسد جنگی تمام عیار را علیه مردم شروع کرده است و با سلاحهای سنگین و سبک و نیروی زمینی و هوایی و با استفاده از خیل گسترده نیروهای پلیس و اوباش و چاقو کشان حرفه ای به مردم معترض در شهرهای مختلف هجوم آورده است. شهرها به محاصره در می آیند و آب و برق و مواد خوراکی بر ساکنین آنها قطع میشود و ماهها مورد خنجر باران و توپ باران قرار میگیرند.

بی رحمی ای که در کشتار مردم مناطق معترض بکار گرفته میشود کم سابقه است. فیلم ها و ویدئوهایی که از جنگ و درگیری

در سوریه منتشر میشود شوک آور است. اما با وجود تمام قدرت و بیرحمی ای که برای در هم شکستن مردم حق طلب به کار گرفته میشود، انقلاب مردم نه فقط از پا نیفتاده بلکه هرروز گسترده تر شده است.

با ادامه جنگ و درگیری و تظاهرات و اعتراضات در سوریه این سوال برای هرکسی مطرح میشود که سرنوشت این جنبش و این انقلاب چیست؟ آیا سرنوشت لیبی و دخالت نیروهای ناتو و غرب در انتظار سوریه است؟ آیا اسد موفق میشود مردم را منکوب و سرکوب و ساکت کند؟ آیا حکومت بشار اسد سقوط میکند و جنگ داخلی بدنبال خواهد آمد؟

کدام نیروها؟

حکومت اسد بارها اعلام کرده است که نیروهای خارجی و تروریستها در سوریه مشغول جنگ علیه دولت هستند. گفته میشود دولت ترکیه مشغول آموزش و تسلیح مخالفین مسلح در سوریه است و از آنها به شیوه‌های مختلف پشتیبانی میکند و آنچه "ارتش آزاد سوریه" نامیده میشود عمدتا نیروهای مسلح دست ساز دولتها است. گزارشهایی از حضور نیروهای بریتانیایی و قطری و ماموران برخی کشورهای دیگر نیز منتشر شده است. از طرف دیگر گزارشهای متعدد و شواهد بسیاری گویای اینست که جمهوری اسلامی نیروهای زیادی را به سوریه گسیل کرده تا در کنار پلیس و نیروی مسلح رژیم اسد، علیه مردم بجنگند و اخیرا فرمانده سپاه پاسداران حضور گسترده بسیجی ها در سوریه را تایید کرد. گفته میشود که بین ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار نیروهای بسیج و پاسدار جمهوری اسلامی ایران در سوریه مشغول جنگ با مخالفین هستند. حتی فرماندهان رده بالای حکومت اسلامی نیز در سوریه حضور دارند. علاوه بر این ارسال کمکهای نظامی و مالی جمهوری اسلامی به

حکومت اسد، ادامه پیدا کرده بطوری که تاکنون سه بار کشتی های بزرگ حامل سلاحهای سبک و سنگین از جمهوری اسلامی برای سوریه در کشورهای مختلف توقیف شده است. همین گزارشها باعث میشود که بعد از ۱۴ ماه از شروع جنبش مردمی علیه حکومت بشار اسد، حضور مردم در این جدال زیر سوال برود و این تصویر داده شود که گویا فقط نیروهای تروریست و قبایله ای از یک طرف، و نیروهای حکومت اسد و جمهوری اسلامی با هم مشغول جنگ و گریز مسلحانه هستند.

اما حقیقت اینست که نیروی اصلی ای که با حکومت اسد و حامیانش در حال جدال است همچنان توده مردمند. تصاویر و ویدئویی که هر از چند گاه منتشر میشود نشان میدهد که علیرغم فضای جنگی تظاهراتهای وسیعی در شهرهای مختلف مدام فوران میکند. در شهرهایی که کانون مبارزه هستند، سازمانهای مردمی که به نحوی شبیه شوراهای محلات هستند در تمامی محلات برپا شده است و بخشهای مختلف مردم را بسته به توانایی برای کمک به انقلاب سازمان میدهد. این شوراها یا سازمانهای محلات نقش متعددی را در این کشاکش ایفا میکنند. از کمک رسانی تا سازماندهی و تخصیص نیرو به کانونهای مختلف نبرد و تهیه غذا و اطلاع رسانی و امثال اینها. حضور گسترده مردم برای سرنگونی حکومت بشار اسد، آن عامل اصلی است که به جنبش سرنگونی و انقلابی در این کشور تداوم بخشیده است و کشتار و بیرحمی و جنایات گسترده حکومتیان را برای عقب راندن جنبش مردم، بی نتیجه ساخته است. اخیرا تصاویری از تظاهراتهای گسترده در دمشق پایتخت سوریه نیز منتشر شد که بنظر میرسد حکومت اسد توانسته است آنرا سرکوب نماید اما در عین حال بر این تاکید میگذازد که حتی دمشق ساکت نیست. اکنون شمار

شهرهایی که به کانونهای تظاهرات و جنگ و گریز با نیروهای دولتی تبدیل شده اند بنا به یک گزارش به بیش از ۲۰ شهر میرسد. برخی از این شهرها نظیر حما و درعا و ادلب و دیر الزور ماهها در برابر تهاجمات نیروهای دولتی مقاومت کرده اند. نفس همینکه شهرها به محاصره در می آیند و تمام ساکنین آنها خمپاره باران و توپ باران میشوند تاکید میکند که جنگ اصلی میان مردم و حکومت است و نه میان دستجات مسلح مختلف.

با تهاجمات مسلحانه و بیرحمانه نیروهای حکومت سوریه به مردم، روشن است که اکنون بخشهای زیادی از جوانان و مردم مسلحند و دست به تعرض به مزدوران مسلح حکومت میزنند. به این مفهوم میتوان از جنگ داخلی به عنوان شکلی از ادامه انقلاب مردم سخن گفت. و نه آنگونه که دیپلماتها و کار بدستان دولتی در غرب تصویر میکنند. در عین حال همانگونه که اشاره شد کم نیستند جریانات و دولتها و نیروهایی که در فضای بی ثباتی و بحران و انقلاب، مشغول توطئه گری و سازمان دادن دستجات مسلح وابسته به خود هستند. اما این تصویر برخی رسانه ها که گویا دخالت دولتهایی نظیر ترکیه و دولتهای دیگر و رقابت قبایل و مذاهب و سازمان دادن نیروهای مسلح در سوریه باعث ادامه بحران سیاسی در سوریه شده است، با واقعیت خوانایی ندارد. برعکس آنچه دارد اتفاق می افتد این است که مردم و فشار جنبش انقلابی و مبارزه مردم طی یک سال گذشته تا کنون دولتهای مختلف را به درجات مختلف به مخالفت با رژیم اسد و دخالت در اوضاع سوریه کشانده است. هرکس که کمی در طرح صلح و آتش بس اتحادیه عرب و طرح کوفی عنان و سازمان ملل دقیق شود متوجه میشود که این طرح ها دقیقا در جهت اینست که پیشروی انقلاب

دو قطعه فرش نفیس



یدی کوهی

هم به داخل بردیم. رفقای که باید اکیبون را انجام میدادند کارشان را با کمال خونسردی شروع کردند. ماموران امنیتی داخل ساختمان که هیچ باور نمیکردند سرو کله ما دوباره پیدا شود با بیسیم های خود کمک خواستند. و تعداد زیادی مامور بسیج شد تا موفق به جمع آوری بتر و شروع به دستگیری اعضای جمع ما و بیرون راندن آنها از داخل ساختمان شدند. اما این کار آسانی نبود، از هر گوشه سالن رفیقی با پوستر کارگران دریند در دست، صدای خود را بلند می کرد و حاضرین را متوجه خود می نمود. تا سرانجام آخرین فعال حزب دستگیر شد اما من که هنوز شناخته نشده بودم و توانستم خودم را به طبقات دیگر برسانم. در سالن یکی از طبقات در کمال تعجب دو قطعه فرش نفیس ایرانی مشاهده کردم. یکی از آنها شاید بیشتر از صد متر میشد و دیگری تابلوی فرش بسیار نفیس کار قم به امضای میر مهدی بود که زیر آن نوشته بود: اهدایی به مناسبت سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (با بزبان مردم ایران: شکست انقلاب ۵۷ و سی سال غارت و چپاول و سرکوب حکومت اسلامی) فوریه ۲۰۰۹. برای یک لحظه تصویر تمام دوستان و انسانهای شریف و مبارزی که میشناختم و تمام آنها که توسط رژیم به جرثقیل کشیده شدند، مثل فیلم از جلو چشمم رد شدند. انسانهایی که میتوانستند حالا زنده باشند و در کنار خانواده ها و دوستان زندگی کنند، اما بدست جمهوری نکبت اسلامی کشته شدند.

ناگهان خودم را در مقابل پرچمهای کشورهای مختلف دیدم و چند ثانیه طول کشید که توانستم پرچم جمهوری کثیف اسلامی، مظهر ارتجاع و جنایت در آن مکان را، بزیر کشیدم.*

سوریه: انقلاب و نه جنگ دستجات مسلح

از صفحه ۵

است که همین نیروها و دولتها با هدف زیر کنترل در آوردن اوضاع بعد از سرنوشتی، در روند سرنوشتی اسد نیز سهیم خواهند شد. هم اکنون با گفتن اینکه ۸۰ درصد این کشور از کنترل حکومت بشار اسد خارج شده، این دولتها باید در تلاش نحوه سرنوشتی و کنار رفتن حکومت اسد باشند و راهی را بچینند که او بدون تکانهای شدید سیاسی، کنار برود. بنظر میرسد که تازه ترین طرحهایی که این اواخر سبک سنگین میشود، طرح کنار رفتن اسد و حفظ پایه های حکومت بعث در سوریه باشد. اخیرا اوباما از اسد خواست که خود از قدرت کنار برود. لحن دولتهای اروپایی نیز به دنبال بن بست طرح عنان تغییر کرده است. اما همچنان با احتیاط کامل در مورد حکومت این کشور سخن میگویند. حتی در تبعیت از خواست دولتهای چین و روسیه، اخیرا هروقت بحث از جنایات دولت سوریه میشود، به نحوی به مخالفین نیز جنایاتی منتسب میگردد و به آنها هشدار داده میشود.

آینده سوریه

بهر رو آنچه روشن است دخالت نظامی غرب در سوریه در آینده نزدیک (خوشبختانه) چندان عملی و محتمل نیست. اما تلاش برای دست و پا کردن آلترناتیو مناسب غرب و توطئه گری علیه انقلاب مردم فعالانه جریان دارد و ادامه خواهد یافت. سرنوشت سیاسی سوریه را تا اینجا مردم سوریه جلو رانده اند. اینکه در ادامه نیز چنین خواهد بود بستگی به شرایط و عوامل بسیاری دارد. مساله اینست که به دلیل فضای جنگی و نظامی و همچنین سیاست رسانه های بستر رسمی که همگام با دولتها پیش میرود، صدای مردم و تشکلهای و نیروهای چپ و کارگری و مردمی چندان به گوش نمیرسد. شاهدان عینی گزارش میدهند که در سوریه اکنون یک نیروی عظیم سکولار و مدرن و جوان در انقلاب حضور دارد و نقش ایفا

میکند. بخش زیادی از جوانان انقلابی خود را متعلق به این جنبش سکولار مدرن می دانند و آنها هستند که بار اصلی انقلاب را بر دوش دارند. اما گرایشات مذهبی و قومی و ناسیونالیستی نیز در میان بخشهایی از مردم جای برجسته ای دارد. اینها از پشتیبانی ارتجاع منطقه نیز برخوردارند. پیش بینی آینده سوریه در شرایط کنونی کار ساده ای نیست. میتوان با قطعیت گفت که حکومت اسد علیرغم حمایتهایی که از دولتها و حکومتها و نیروهای مختلف میگیرد، راهی برای ماندن ندارد و سرنوشت خواهد شد. نیروی رادیکال و آزادی خواه و مدافع عدالت اجتماعی، یعنی نیروهای کارگری و چپ و رادیکال، گرچه بر اول معمول همه دیکتاتوری ها از کمبودها و محدودیتهای زیادی رنج میبرند، اما امکان رشد و نقش ایفا کردن دارند. و اگر آینده بهتری از شرایط کنونی بتوان برای مردم این کشور تصور کرد، در این است که همین نیروها بتوانند در فضای بحران سیاسی و انقلاب، گامهای اساسی ای به پیش بردارند و با کل جبهه انسانی در سطح جهان و منطقه ارتباط و پیوند برقرار کنند.

این را هم در خاتمه تاکید کنیم که يك عامل که در آینده سوریه بسیار مهم است، اوضاع سیاسی در ایران است. در واقع به دلیل همکاری نزدیک دولتهای اسد و جمهوری اسلامی، هم سرنوشتی اسد در دامن زدن به انقلاب ایران نقش بسیار مهمی خواهد داشت، و هم پیشروی احتمالی انقلاب و مبارزه مردم در ایران میتواند بر کل فضای سیاسی سوریه تاثیرات عظیم و عمیقی بگذارد. این مسئله را مردم سوریه و مردم ایران به درستی تشخیص داده اند. یکی از شعارهای اصلی مردم سوریه در تظاهرات های خود از همان ابتدای شروع جنبش انقلابی مرگ بر خامنه ای و جمهوری اسلامی بود. در ایران نیز همه مردم چشم به انقلاب سوریه دارند و خود را حامی آن می دانند.*

فریاد اعتراض کارگران ایران در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار پرچم جمهوری اسلامی به پائین کشیده شد

از صفحه ۲

بخش‌های وسیعتری از سازمانهای کارگری با این خواست فراهم است. همه اینها بیش از پیش اهمیت و جایگاه آکسیونهای اعتراضی ما در اجلاس‌های آی ال او را نشان میدهد. شما در تماس دائمی با فعالین کارگری در ایران هستید. حرکت امسال و سالهای قبل چه انعکاسی در بین کارگران ایران داشته است؟

حضور در اجلاس‌های سازمان جهانی کار به یک انتظار از ما تبدیل شده است، آنها بخوبی اهمیت این کار را می‌دانند. از مدت‌ها قبل کارگران از ما می‌پرسیدند که برنامه امسال ما چیست. در سالهای گذشته ما پیامهای دلگرم‌کننده‌ای از طرف کارگران و مشخصاً کارگران شرکت واحد، ایران خودرو، نیشکر هفت تپه در رابطه با شرکت‌مان در اجلاس آی ال او دریافت کرده‌ایم. پیامهای صمیمانه‌ای که خوشحالی خود را از این اعتراضات اعلام داشته‌اند.

این حرکت چه انعکاسی در این اجلاس داشت و شرکت‌کنندگان چگونه استقبال کردند؟

همانطور که در گزارش این آکسیون اعتراضی می‌خوانید، رفقای ما اطلاعیه‌هایی را که در آن به سه خواست اساسی، اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او، آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و متوقف شدن فشار بر روی رهبران کارگری را مطرح کرده بودیم، را در محل کنفرانس پخش میکردند، بسیاری از نمایندگان با این دوستان وارد گفتگو شده و حمایت و سمپاتی خود را به حرکت اعتراضی ما نشان میدادند. در

هنگامیکه دوستان ما پاسگال و دوست دیگرمان آکسیون را شروع میکردند و صدای پاسگال در محل طنین انداخته بود، برخی از نمایندگان با گرفتن فیلم و عکس استقبال و حمایت خود را از این حرکت اعتراضی اعلام داشتند. در آکسیون روز ۶ نیز وقتی از حرکت اعتراضی ما و خواستهای ما مطلع شدند دوستانی از اتحادیه‌های کارگری فرانسه، الجزایر، مصر خواهان تماس‌های منظم با کمپین برای آزادی کارگران زندانی و همکاری بیشتری با ما شدند.

امسال هم همانند سال‌های قبل تعداد زیادی از رسانه‌های فارسی زبان خارج کشور بویژه رسانه‌های رسمی نظیر بی بی سی در این مورد سکوت کردند. بعضی رسانه‌ها هم با اعلام برگزاری تظاهرات در مقابل محل اجلاس، از حضور فعالین حزب در داخل سالن و تاثیر حرکت آنها اسی نبردند، ارزیابی شما از این رفتارها چیست؟

شهرلا دانشفر: به نکته مهمی اشاره کرده‌اید. این سیاست همیشگی این رسانه‌ها است. روشن است که اینها رسانه‌های

مردم معترض در خیابان نیستند، بلکه رسانه‌های بورژوازی و اساساً تابع سیاست‌های دولتها هستند. اینها نه تنها در برابر حرکت اعتراضی ما حتی در برابر جنبش اعتراضی کارگری و مردم، بخصوص وقتی که اوضاع به جایی میکشد که کل سیستم به چالش کشیده می‌شود، لکننت زبان میگیرند. اگر شما امروز گاهی گزارشاتای از اخبار اعتراضات کارگری و یا مردم معترض را در میان خبرهایشان می‌بینید، بطور واقعی نتیجه فشار جنبش اعتراضی کارگری و توده‌های مردم

است. سیاست حاکم بر چنین رسانه‌هایی روشن است. اینها اخبارشان را در چهارچوب نظام حاکم و در چهارچوب تعیین شده توسط قوانین بورژوازی تنظیم میکنند و هر حرکتی که به نوعی خارج این چهارچوب‌ها باشد، از کنارش می‌گذرند و در برابرش سکوت میکنند. مگر فشار بر رویشان سنگین باشد. ترس از انقلاب، وحشت از جنبش کارگری و محافظت از موجودیت جمهوری اسلامی از ویژگی‌های مهم این

مذاکرات هسته‌ای در مسکو: سازش یا تشدید تخاصمات؟

از صفحه ۳

سیاست کنونی غرب سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. غرب بدنبیل یک جمهوری اسلامی رام شده است که بتواند با آن کنار بیاید. جمهوری اسلامی هم واقف است که هر نوع سازش با غرب نهایتاً به معنی پایان کار آن است. جمهوری اسلامی، هم از درون و هم، از سوی مردم با چالش‌های بسیار جدی روبرو است. این وضعیت سازش و مصالحه و کوتاه آمدن از سیاست‌های تاکنونی را برای سران حکومت شدت دشوار

رسانه‌ها هستند. بطور مثال در برابر کمپین جهانی در دفاع از جان سکینه محمدی در ابتدا ما با سکوت اینها روبرو بودیم و بعد هم لنگان لنگان از آن سخن گفتند، چرا که در برابر عظمت چنین کمپینی خود جمهوری اسلامی نیز مجبور به پاسخگویی شد. شما به موردی چون همین فتوای قتل آیت الله‌ها علیه‌علیه شاهین نجفی نگاه کنید. رسانه نوکر مایی مثل بی بی سی حتی بلندگوی فتوا دهندگان جانیان اسلامی و سنگر دار مقدسات شد.

در رابطه با آکسیونهای اعتراضی ما نیز در آی ال او نیز موضوع از همین قرار است. اگرچه در سالهای گذشته وقتی که تصاویر حضور ما در آی ال او در صدر اخبار رسانه‌هایی چون آسوشیتد پرس انعکاس یافت، اینها نیز ناگزیر به درج گوشه‌ای از این خبر شدند. سکوت این رسانه‌ها در مقابل افتضاح جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار، بخوبی می‌تواند خط مشی و سیاست آنها را روشن کند.*

کرده است.

اما راه حل خارج شدن از این کشمکش تماماً در دست طرفین مذاکره‌کننده نیست. نیروی دیگری هست که میتواند راه حل و چشم‌انداز دیگری را در مقابل این وضعیت باز کند. جامعه ایران بشدت ملتهب است. آینده سوریه در ابهام است. اسد دیر یا زود رفتنی است. سرنگونی رژیم سوریه و یا آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات توده‌ای در ایران، معادلات و دسته‌بندیهای فعلی را میتواند بشدت تغییر دهد و چشم‌انداز دیگری برای پایان دادن به وضعیت کنونی را در دسترس قرار دهد.*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

برای هفتمین سال متوالی صدای کارگران ایران در سازمان جهانی کار طنین انداخت

امروز ۵ ژوئن جمعی از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی با انجام آکسیونی اعتراضی در داخل محوطه ساختمان برگزاری اجلاس آی ال او در ژنو که صد و یکمین کنفرانس خود را برگزار می‌کرد حضور یافتند، جمهوری اسلامی را بعنوان رژیم سرکوب کارگران و مردم ایران معرفی کردند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان و آزادی فوری کارگران زندانی در ایران شدند.

هفتمین سال است که فعالین حزب کمونیست کارگری بی وقفه در کنفرانس سازمان جهانی کار حضور می‌یابند و سازمان جهانی کار در سالهای اخیر مراقبت‌های امنیتی بسیار ویژه‌ای برای جلوگیری از مخالفین جمهوری اسلامی سازمان داده است. فعالین حزب و کمپین برای آزادی کارگران زندانی نیز برای دور زدن این تمهیدات، امسال در زمان استراحت نمایندگان شرکت کننده در آی ال او در سالن تریبای کنفرانس حضور یافتند و آکسیون اعتراضی خود را برگزار کردند. همزمان بیدی کوهی پرچم جمهوری اسلامی در سالن اصلی کنفرانس را پائین آورد و پلاکارد قرمزی که روی آن نوشته شده بود ایران از آی ال او اخراج شود را بجای آن گذاشت.

در این آکسیون پاسکال دکامپ به زبان انگلیسی برای حاضرین سخنرانی کرد و اعلام کرد که جمهوری اسلامی سرکوبگر کارگران و مردم ایران است و باید

از سازمان جهانی کار اخراج شود. او گفت که ما کارگران و مردم ایران را نمایندگی می‌کنیم و خواستار حمایت کارگران از این حرکت شد. بدنبال سخنرانی پاسکال، شرکت کنندگان در این آکسیون در حالیکه پلاکارد قرمزی با شعار ایران از آی ال او اخراج شود و پوسترهایی از کارگران زندانی در دست داشتند، به زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و فارسی شعار میدادند: مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود و سپس اطلاعیه‌ای را به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در میان حاضرین پخش کردند. با شروع این آکسیون جمعیت حاضر در سالن کاملاً ساکت شده و به سخنرانی و شعارها گوش میدادند. این آکسیون یکربع به طول انجامید. بسیاری از نمایندگان اطلاعیه را با استقبال می‌گرفتند و بعضاً از این آکسیون عکس گرفتند. هیئت شرکت کننده از طرف جمهوری اسلامی نیز در سالن بود.

امسال هفتمین سال است که علیرغم تمهیدات امنیتی آی ال او، فعالین حزب و مدافعین حقوق کارگران در سازمان جهانی کار حضور می‌یابند و صدای اعتراض کارگران ایران را به گوش حاضرین در کنفرانس می‌رسانند و به حضور هیئت جمهوری اسلامی اعتراض می‌کنند. این موفقیتی برای کارگران و مردم ایران و خاری در چشم جمهوری اسلامی و نمایندگان شورای اسلامی است که

آنها را در حضور سایر شرکت کنندگان در سازمان جهانی کار بعنوان سرکوبگران و شکنجه‌گران فعالین کارگری معرفی می‌کنند. لازم به یادآوری است که فردا ۶ ژوئن نیز از سوی تعدادی از فعالین اتحادیه‌های کارگری فرانسه آکسیونی با خواست آزادی کارگران زندانی فراخوان داده شده است. ما ضمن شرکت در این آکسیون از همه مدافعین حقوق کارگران و مردم ایران می‌خواهیم در این آکسیون شرکت کنند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۵ ژوئن ۲۰۱۲، ۱۶ خرداد ۱۳۹۱

اطلاعیه‌ای که امروز در میان شرکت کنندگان در کنفرانس سازمان جهانی کار پخش شد:

کمپین برای آزادی کارگران زندانی:

جمهوری اسلامی را از کنفرانس آی ال او اخراج کنید

هر ساله هیئتی از سوی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار شرکت می‌کند. اینها نه تنها کارگران ایران را نمایندگی نمی‌کنند، بلکه نمایندگان رژیم اسلامی ایران هستند که با محروم کردن کارگران از حقوق پایه‌ای شان آنها را بطور سیستماتیک و دایم مورد آزاد و اذیت قرار می‌دهد.

جمهوری اسلامی کارگران را بخاطر ایجاد تشکل، بخاطر شرکت در اول مه و بخاطر اعتراض برای دستمزد و سایر

حقوق پایمال شده شان، زندانی کرده و به شلاق می‌کشد، این رژیم حقوق انسانی مردم و کارگران را وحشیانه زیر پا می‌گذارد،

کودکان را اعدام و زنان را سنگسار می‌کند و بعد از چین بالاترین رکورد اعدام در دنیا را دارد،

چنین رژیمی نه تنها جایش در آی ال او و مراجع جهانی نیست، بلکه جایش در دادگاههای بین‌المللی و محاکمه بخاطر جنایاتش علیه مردم است.

این رژیم باید از سازمان جهانی کار و همه نهادهای جهانی اخراج شود.

ما هر ساله با شرکت خود در اجلاس‌های سازمان جهانی کار تلاش کرده‌ایم که صدای کارگران و مردم ایران باشیم و اعتراض خود را به حضور جمهوری اسلامی در این سازمان اعلام داریم.

ما از همه سازمانهای کارگری و همه نمایندگان شرکت کننده در اجلاس آی ال او می‌خواهیم که علیه این رژیم

بخاطر آزار و سرکوب کارگران و زیر پا گذاشتن ساده‌ترین حقوق مردم در ایران اعتراض کنند و خواهان اخراج هیئت اعزامی آن از آی ال او شوند.

جمهوری اسلامی یک رژیم آپارتاید جنسی است و مانند رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی باید از همه سازمانها و نهادهای جهانی و بویژه آنجا که به اسم کارگر سخن می‌گوید اخراج شود.

۱- علیه شرکت رژیم اسلامی در کنفرانس آی ال او اعتراض کنید

۲- نمایندگان رژیم اسلامی را در آی ال او بایکوت کنید

۳- برای آزادی کارگران زندانی در ایران اعتراض کنید

رژیمی که کارگران را دستگیر و زندانی می‌کند و به شلاق می‌کشد باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۸ خرداد ۹۱، ۲۸ مه ۲۰۱۲

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com

Free jailed workers in Iran

Mohammad Jarahi, Reza Shahabi, Ali Nejadi, Shahrokh Zamani, Mohamadali Mohamadi, Ali Akhavan, Rasoul Bodaghi, Behnam Ebrahimzadeh

FREE THEM NOW!

زنده باد سوسیالیسم!

دومین روز اعتراض فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه آی ال او

اعضای اتحادیه کارگران (EFITU) در مصر، یکی از اعضای اتحادیه کارگری مستقل در الجزایر، خانمی از تشکل زنان مارس در سنگال، یکی از اعضای اتحادیه کارگری UNIA در سوییس و حبیب رضا پور عضو سابق سندیکای شرکت واحد و از همراهان فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی از جمله سخنرانان این میتینگ اعتراضی بودند. حبیب رضایی در سخنانش به خواست اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او و آزادی همه کارگران زندانی از زندان تاکید گذاشت. سخنرانان از کشورهای دیگر در سخنان خود حمایتشان را از مبارزات کارگران ایران و کارگران زندانی اعلام داشتند. این آکسیون از ساعت ۱۲ ظهر تا ۲ بعد از ظهر بود.

بدین ترتیب این دومین روز اعتراض فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه جمهوری اسلامی و با خواست اخراج رژیم فوری کارگران زندانی بود.

۲۰ ژوئن روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی از ایران فرصتی مهم برای تداوم این اعتراضات و مبارزه ای قدرتمند برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانی سیاسی است.

۶ ژوئن ۲۰۱۲

Shahla_danes
hfar@yahoo.com
Bahram.Sorou
sh@gmail.com



حبیب رضایی



الجزایر

فرانسه، FSU



سوییس



مصر، EFITU

سنگال



CDFT France



سن، ژ، ت



اتحادیه های کارگری ث.اف.د. ت (CFDT) در فرانسه، یکی از اعضای اتحادیه کارگران اف.اس.او (FSU) در فرانسه، یکی از اعضای سولید فرانسه، یکی از

در این آکسیون اعتراضی نیروهایی از سازمانهای سیاسی مختلف ایرانی و فعالین اتحادیه های کارگری شرکت داشتند. یکی از اعضای اتحادیه کارگری ث ژ ت (CGT)، یک نفر از اعضای

شرکت در آکسیونی اعتراضی درمقابل سازمان جهانی کار در میدان ملل ژنو داده شده بود، جمعی از فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی شرکت داشتند.

امروز ۶ ژوئن در پی فراخوانی که از سوی فعالینی از سندیکاهای ث ژ ت (CGT)، ث.اف.د.ت (CFDT)، اف.اس.او (FSU)، اونسا (OUNSA) و سولیدر (SOLIDAIRE) در فرانسه به

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

ظهور نقی، سوال اکبر گنجی

از صفحه ۱

اسلام است. باید روایت های دمکراتیک و مدرن و لطیف تر از اسلام را مبنی قرار داد.

این البته فقط استدلال آقایان دگراندیش امروز و وزیر و وکیل و بازجوی دیروز جمهوری اسلامی نیست. ته استدلال امثال رضا پهلوی هم همین است. ایشان هم به اسلام جمهوری اسلامی نقد دارد. اما صد البته به اسلام همخوان با مشروطه سلطنتی و کلابقاء دستگاه تولید جهل و خرافه نیاز دارد. خیلی هم ناراحت است که آبروی روحانیت تماما رفته است! (۲) توده ای ها و برخی چپ های سنتی و شاخه هایی از تروتسکیسم هم که عمری از امثال خمینی و احمدی نژاد "ضد امپریالیست" و "الهیات رهایی بخش" دفاع کرده اند، شبیه همین استدالات را دارند. حتی از مارکس برابمان نقل می آورند که اول باید سرمایه داری را نابود کرد و بعد سراغ مذهب رفت.

تا همینجا ما یک پیروزی شیرین بدست آورده ایم. همه این آقایان به توجیه و التماس برای حفظ مذهب روی آورده اند. ما را به سکولاریسم قسم میدهند که با مذهب و "عقاید مردم" مهربان باشید. اما با همه شیرینی نباید فراموش کرد که همه توجیه کنندگان مذهب وقتی در مخصصه افتاده اند همین طورها حرف میزنند. یکدفعه خدایشان رحمان و رحیم میشود. اما وقتی در حال تعرض هستند و چماق مذهب را میچرخانند و پاکسازی عقیدتی در دانشگاه راه می اندازند، خشم الهی شان فوران میکند و تقلید از گردن زدن کفار توسط علی میکنند و مثل گنجی امروز "قرآنی بودن حجاب" را مورد سوال قرار نمی دهند بلکه با پونز روسی بر سر زنان میکوبند. با اینهمه مهم است که التماس ها و مذهب نرم و لطیف این حضرات را نیز بیجواب نگذاشت. باید صورت ظاهر بحث آنها را گرفت و نشان داد که محتوای آن بهمان

اندازه دوره تعرض شان ضد بشری و جنایتکارانه است. در واقع اینها چهره متمدن همان آیت الله های وحشی و سنگواره های قم و تهران اند.

یک)

اگر مذهب را چنانکه هست ببینیم زیر پای تمام توجیهات ریاکارانه فوق فورا خالی میشود. مذهب چیزی نیست که یک موجودیت موهوم در قلب انسانها ودیعه نهاده است. بچه آدمیزاد وقتی به دنیا می آید به همان اندازه مذهبی است که بچه شیر، پلنگ یا گنجشک. مذهب شکلی از آگاهی وارونه آدمیزاد و اوهم اوست. از توتتم های عصر توحش گرفته تا خدایان یونان باستان و تا خدای مسیحیت و اسلام قرون وسطی و تا مذاهب مدرن نظیر "ایده مطلق" هگل و مذهب عشق فوئرباخ و غیره، همه انعکاسی از وجود اجتماعی انسان و تاریخ تحول اجتماع اوست. در دنیای ما مذهب ساخته و پرداخته جامعه وارونه و نابرابر فعلی و نهادهای اجتماعی و نیروهای سیاسی و دولتهایی است که میخواهند این وضع را حفظ کنند. مذهب از آسمان به زمین نیامده، دقیقا برعکس از زمین به آسمان رفته است. تصورش را بکنید یک لحظه نیروی انتظامی و کهریزک و اوین و سپاه و ارتش و حوزه و اوپاش کرایه ای اسلام و مسجد و فقیه و کلیسا و پاپ و شاه و سلطان و ملکه و اوپاما و سازمان ملل و بیانیه حقوق بشر و بی بی سی و قلمزنهاش و سی ان ان و الجزیره و بنگاه های سرمایه داری و بانکها و مافیاهای رنگارنگ را از پشت مذهب و توجیه و تبلیغ آن بیرون بکشیم. تصور کنید یک روز از خواب برخیزیم و این صنعت عظیم مذهب که با صرف مبالغی هنگفت، کلی قانون و فتوا و بمب انتحاری و اسید پاشی و تهدید و فعالیت تعداد بیشمار دستگاه های خرافه پراکنی و رواج جهل سرپا نگاه داشته میشود، تعطیل شود. آنوقت از مذهب چه میماند؟ اگر هم چیزی بماند صرفا در چهارچوب خلوت روبه زوال مومنان و مراسم و مناسک فرقه

های مهجور خواهد بود. اگر جامعه فعلی با طبقات و استثمار و دولت آن را ملغا کنیم و بجای آن جامعه آزاد انسانهای آزاد را برقرار کنیم هیچ جایی برای هیچ نوع جهل و خرافه و مذهب و ایدئولوژی و آگاهی وارونه باقی نمی ماند.

نتیجه ای که از این میخواهم بگیرم برای آینده دور نیست. برای همین امروز است. اگر مذهب و از جمله اسلام، ساخته و پرداخته جامعه وارونه و دولت و نیروهایی است که آنرا لازم دارند، خوب ما همین امروز میتوانیم با مبارزه خود این دولت و این نیروها را عقب برانیم، فضای جامعه را عوض کرده و روند به سوراخ راندن اسلام را شروع نمائیم. کاری که در واقع شروع کرده ایم. پس این تصویر که گویا یک طرف فتوا دهندگان قرار دارند و طرف دیگر هتاکان به مذهب، یک تصویر سرتاپا ریاکارانه و آخوندی است. فرض این حکم این است که یک حقایقی ذاتی برای مذهب هست و باید احترامش را داشت. واقعیت این است که در یکطرف مدافعان مذهب و اسلام قرار دارند، در طرف دیگر کسانی که برای رهایی بشر از جامعه وارونه موجود و دولت و مذهب اش تلاش میکنند. کسانی مثل گنجی و بی بی سی که ژست داور این مسابقه را میگیرند در واقع بازیکنان تیم مدافع مذهب (یعنی همین جمهوری اسلامی و آیت الله هایش) هستند که با پیراهن وارد بازی شده اند. مذهب هم مثل هر عقیده و مرامی باید تحمل هرگونه انتقاد و هجو و تمسخر را داشته باشد. اگر کسی لیبرالیسم و کمونیسم و پست مدرنیسم و ناسیونالیسم را مسخره کند، هجو کند، به آن توهین کند آزاد است و هیچ کس حق ندارد به او تعرض کند. لابد یکی هم بلند میشود جوابش را میدهد. بنا براین مذهب نباید هیچ حقانیت از پیشی داشته باشد. حق صدور فتوای قتل که سهل است هیچ گونه حمایت قانونی و سنتی و اخلاقی نباید داشته باشد. اگر دوپینگ کند و داور به سود او سوت

بزند و امتیازات دولتی و اجتماعی داشته باشد آنوقت تبدیل میشود به صنعت مذهب و همان جنایتی که اسمش جمهوری اسلامی است. و امثال گنجی و سرور و بی بی سی گرچه با زبان "متمدنانه" اما دقیقاً دارند از همین جنایت دفاع میکنند.

دو)

برای اینکه ببینید چطور مذهب و خدا و پیر و پیغمبر ساخته و پرداخته شرایط تاریخی و اجتماعی و مشخصا طبقات حاکم و دولتهاست، کافی است به جنایت ها و خونهایی که برای رواج اسلام و مسیحیت و سایر مذاهب ریخته شده است فکر کنید. کافیست به این توجه کنیم که اگر امروز مسیحیت در اروپا قادر نیست مثل قرون وسطی و مثل اسلام در عربستان و ایران و پاکستان و افغانستان امروز گردن بزند، تفتیش عقاید کند، سنگسار کند و به جرم محاربه با خدا اعدام کند و زنده زنده در آتش بسوزاند (معادل اسید پاشی امروز اسلام به صورت زنان؟)، این اساسا ثمره انقلاب کبیر فرانسه و انقلابات و مبارزات و تلاشهای قهرمانانه چندین و چند نسل بشر برای در قفس کردن مسیحیت و کلیسا و کشیش بوده است. چرا راه دور برویم حتی اسلام هم در همین دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیست میلادی ابدا موقعیت تعرضی و جنایتکارانه ای که اسلام سیاسی در سه دهه گذشته یافته را نداشت. عروج اسلام سیاسی در دهه های اخیر ابدا محصول خوابنا شدن آقا و اعلام جنگ به کفار نبود. بلکه محصول شرایط تاریخی معینی است که به امثال خمینی و روایت او از اسلام امکان بروز و قدرت گیری داد.

خلاصه این شرایط از این قرار است: به دنبال رونق پس از جنگ دوم، به دلیل گسترش و انبساط سریع سرمایه جهانی و برچیدن مناسبات ماقبل سرمایه داری در اقصی نقاط جهان، و به یمن مبارزات کارگران و سوسیالیستها و

ظهور نقی، سوال اکبر گنجی

از صفحه ۱۰

جنبش زنان و جنبش های آزادیخواهانه، کلا فضای متفاوتی در سراسر جهان برقرار بود. آنوقت دوره ای بود که در کشورهای اسلام زده ناسیونالیست ها و نیروهای سکولار، چه راست و چه به اصطلاح چپ (برای مثال شاه در ایران و ناصر در مصر) متحد اصلی بورژوازی جهانی به سرکردگی دو قطب رقیب غرب و شرق بودند. در همین ایران خودمان فضای جامعه ابدا مذهبی نبود. برای مثال نه فقط جوانان آخرین مدهای غربی را می پوشیدند، به مدرنترین موسیقی گوش میداندند و آخرین فیلم های سینما را میدیدند، بلکه آخوند جز در برخی عقب مانده ترین محافل و گروههای اجتماعی جزو فکاهیات جامعه بود. بعنوان یک موجود رذل و شکمباره و هیز و حقه باز از جانب بسیاری از مردم احتراز میشد... اما دوره "طلایی" رونق پس از جنگ دوم در اواخر دهه ۷۰ میلادی و با بروز بحرانهای اقتصادی جهانی پایان یافت. انقلاب ۵۷ اولین شمره این دوره جدید و عکس العملی در برابر بحران بود. عروج راست جدید در اروپا و آمریکا به پرچمداری تاچر و ریگان و تعرض به دستاوردهای کارگران و مردم در دهه ۸۰ شمره دیگر این عوض شدن دوره بود. بن بست سرمایه داری دولتی و سقوط بلوک شوروی هم یک نتیجه دیگر این وضعیت، یعنی شروع یک دوره تاریخی بن بست سرمایه داری جهانی بود. در واقع بحران و بن بست سرمایه داری و نبودن یک راه حل و آلترناتیو که جوابی انقلابی و انسانی به اوضاع جدید بدهد، یک دوره تاریخی هجوم به بشریت و عقب راندن جامعه و یک قهقرازی سیاه را ضروری کرده بود. مجموعه این شرایط توازن قوای سیاسی در خاورمیانه و کشورهای اسلام زده را به زیان نیروهای ناسیونالیست و سکولار تغییر داد. خمینی که برای

مقابله با انقلاب ۵۷ و جلوگیری از نفوذ شوروی از سوی غرب حمایت میشد، در سرکوب انقلاب ۵۷ قدم به قدم ناگزیر شد سلاحی را حدادی کند که تلفیقی از ناسیونالیسم جهانسومی، شرق گرایی و البته اسلام بود. (و همین امثال گنجی و سروش از جمله پادوهای خمینی در ساختن این هیولا بودند.) اسلام سیاسی متولد شد و بمجرذ آنکه متولد شد به پرچم بخشی از بورژوازی بومی و ناراضی کشورهای اسلام زده مبدل گردید. با سقوط شوروی و در خلاء ناشی از بهم خوردن توازن جهان دو قطبی حتی بعنوان یک قطب جهانی بورژوازی و شدیداً ارتجاعی قد علم کرد. در فقدان شوروی، غرب و آمریکا به وجود یک "شیطان" جدید برای اداره دنیا تحت عنوان "نظم نوین جهانی" لازم داشت. ۱۱ سپتامبر این فرصت را داد تا اسلام سیاسی با تروریسم و وحشی گری اش تبدیل به شیطان جدید شود. چنین بود که نه فقط اسلامگرایی در کشورهای اسلام زده باب شد بلکه حتی در خود غرب هم دستاوردهای سکولار و مدنی تحت لوای مبارزه با اسلام افراطی و حمایت از اسلام میانه رو برپا رفت. بطور خلاصه بحران و بن بست سرمایه داری جهانی میل به ارتجاع و عقب گرد را تقویت کرد و مذهب بطور کلی و اسلام سیاسی بطور اخص در اواخر قرن بیست و ابتدای قرن بیست و یک سر برآورد. این نه خواست خدا بود و نه معجزات امام زمان و نه تقریر جدید خمینی از قرآن. برعکس این شرایط اجتماعی و منافع سرمایه داری آخر قرن بیست و اوائل قرن بیست و یک و دولتهایش بود که اسلام و خدا و تروریسمش را بشکلی که می بینیم ساخته و پرداخته کرد. و اسلام هم خدا بدهد برکت تا دلتان بخواید سرشار از ظرفیت برای ارتجاع و جنایت و عقب ماندگی است. چون هرگز لوتری به خود ندیده و رنسانسی از سر

نگرانده است و دقیقاً همان چیزی بود که ارتجاع بورژوازی قرن بیست و یک به آن احتیاج داشت. گویی خداوند باریتعالی آنرا برای تئوری "جنگ تمدنها"ی هانتینگتون از پیش تراشیده بود. اما حالا آن جلال و جبروت ناشی از قتل و کشتار و فتوا و انقلاب فرهنگی و ترور و بمب انتحاری دارد در ظهور امام نقی توسط جوانان ایران به مسخره گرفته میشود. حالا ناقوس پایان آن دوره سیاه به صدا درآمده است. دلیل اعلام عزای عمومی بی بی سی و امثال سروش دقیقاً از همینجاست. از این داستان باید دو نتیجه گرفت. اولاً جنگی که الان در جامعه ایران جریان دارد، منظور همین ظهور امام نقی و به میدان آمدن نسل ۸۸ برای به گور سپاردن اسلام سیاسی، اصلاً دعوای کفر و دین داری نیست. جامعه محل دعوای تئوریه و ایدئولوژی ها نیست. بلکه عرصه مواجهه و نبرد جنبش های اجتماعی و طبقاتی برای تغییر وضع یا حفظ وضع موجود است. این حمله به اسلام سیاسی و به مقدسات جناب آقای گنجی و سروش در واقع تلاش جامعه ایران و مشخصاً جوانان برای عوض کردن یک دوره بغایت سیاه تاریخی است. این در واقع جنگ انسانیت علیه وحشیگری و عقب ماندگی است. جنگ آزادی علیه استبداد و سرکوب و اختناق و حکومت پلیسی است. جنگی برای بیرون کردن مذهب و دخالت دولتی تحت لوای مذهب در زندگی اجتماعی است. جنگی برای بیرون کردن مذهب از دولت و خیابان و مدرسه و کارخانه و خانواده و اتاق خواب است. دوم اینکه این موضوع فقط به ایران محدود نیست. چنانکه دیدیم پس از انقلاب ۸۸ در ایران در تونس و مصر و خیلی جاهای دیگر انقلاب شد و دیکتاتورها سرنگون شدند و جنبش های ضد کاپیتالیستی در غرب پا گرفت. ایران جایگاه مهم تاریخی پیدا کرده است. اسلام سیاسی از دل جنبش خمینی و پامنبری هایش در سرکوب انقلاب ۵۷ پا گرفت. در نتیجه به

خاک مالیدن اسلام سیاسی در ایران نقش مهمی خواهد داشت که این هیولا را در سطح تاریخی و جهانی به بند کشیم. (سه)

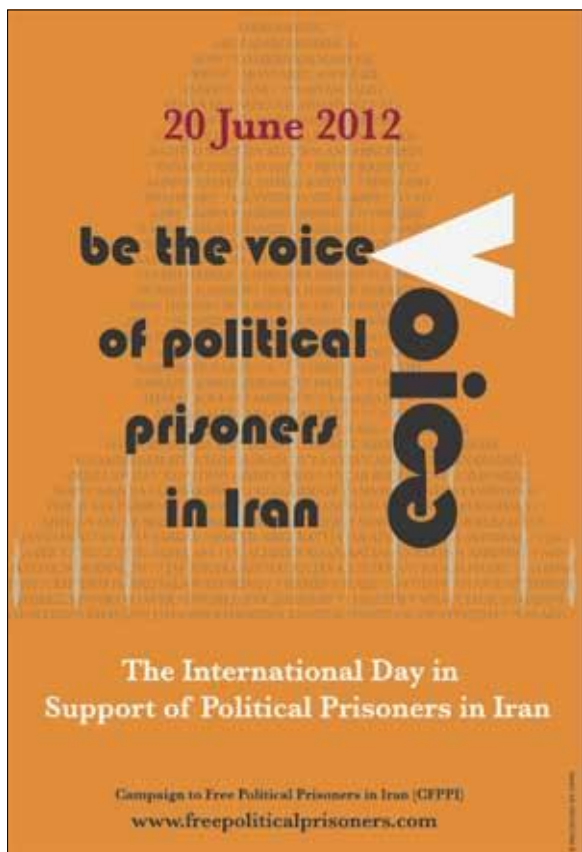
اما آیا جنگ با اسلام سیاسی و حکومت اسلامی در ایران اینقدر مهم است؟ پس سرمایه داری چه؟ پس فقر و فلاکت چه؟ پس اینهمه اشکالات عیدیه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی چه؟ در جواب به این استدلال که در واقع همان منطق آخوند کنازی در جلد چپ و دلسوز مردم است، باید یادآور شد که امروز اولین مانع سر راه هر تحولی مثبت و انسانی در ایران جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی است. و عمود خیمه این بساط جنایت و استثمار هم اسلام است. نه فقط جمهوری اسلامی و آیت الله های دیوانه تهران که همچنان بر فتوا و کلام پیغمبر و نهج البلاغه و قرآن تکیه میکنند و آدم میکشند، بلکه همین بی بی سی و نویسندگانش همه پشت اسلام و تغییر تدریجی و مسالمت آمیز جمهوری اسلامی اند. همه جهان دارد در روز روشن می بینند که چگونه ترجیح اول غرب و کل بورژوازی جهانی این است که جمهوری اسلامی را مهار زده و اسلامش را برای مثال به اسلام نوع اردوغان و خوش خیم تبدیل کند. اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی نیز که ادعای "سکولاریسم" و "جدایی مذهب از دولت" دارد، چنانکه در ماجرای فتوای قتل شاهین نجفی دیدیم به شدت نگران و هراسان تضعیف مذهب و اسلام است. بعبارت دیگر فقط عمود خیمه حکومت موجود اسلام نیست، بلکه سیاست کل بورژوازی حول حفظ جمهوری اسلامی و بقای اسلام میچرخد. نتیجه اینکه بطور واقعی شرط هرگونه تحول اساسی در اقتصاد و جامعه ایران این است که ابتدا جمهوری اسلامی را ریشه کن کرد. این خواه ناخواه به معنی درهم کوبیدن آن در تمامی وجوه مادی و ایدئولوژیک است. نه فقط باید سپاه پاسداران و نیروی

انتظامی و نیروی مسلح اش را درهم کوبید، نه فقط باید وزارت اطلاعات و زندان اوین اش را با خاک یکسان کرد، نه فقط باید مجلس و دستگاه اداری اش را تماماً نابود کرد و دستگاه جدیدی متکی بر ابتکار و عمل مستقیم را جای آن قرار داد، بلکه تمام دستگاه چهل و خرافه و تمام ارزش های اخلاقی و اجتماعی اش را باید با قدرت درهم کوبید. نمی شود جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت و اسلامش را لطیف و رام کرد و نگاه داشت. کسانی که چنین توهمی دارند خواه و ناخواه در کنار رژیم فعلی قرار میگیرند و زیر ضربات امواج طغیان اجتماعی و سیاسی که مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی در کار ساختن آن هستند درهم شکسته خواهند شد.

اما آیا این به تعبیر اکبر گنجی به معنای "نابودی اسلام" است. ای کاش بود. متأسفانه چهل و خرافه و اوها هم تا مدتی همراه بشر خواهد بود. دلیلش هم این است که هنوز جامعه بشری خود را از شر استثمار و نابرابری و تبعیض و حاکمیت طبقاتی رها نکرده است. هنوز کسی نسل هایی از انسانها را که از شر مالکیت خصوصی و سود و بانک و بازار و کالا و بردگی مزدی و بیکاری و بی تأمینی و فقر و فلاکت ناشی از آن رها شده باشند و کاملاً بر زندگی خود اختیار دارند را ندیده است. تا آزمون مذهب و خرافه و باور به موهومات میتواند اینجا و آنجا بماند. اما برای رسیدن به روزی که از شر استثمار و جهل رها شویم، یک وظیفه عاجل این است که جنبش های سیاسی مذهبی و بخصوص دولت های مذهبی و اسلام سیاسی را همین امروز برچینیم. در واقع اینجا هم اکبر گنجی یک مغفله آخوندی کرده است. اسلام به عنوان یک عقیده و باور شخصی را با اسلام بعنوان دولت و جنبش سیاسی و آلت قتل و جنایت بر علیه جامعه را مخلوط کرده است.

بیستم ژوئن ۲۰۱۲، سی و یکم خرداد ۱۳۹۱ روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

با تمام قدرت در این روز صدای زندانیان سیاسی باشیم



۲۴ شهر در حمایت از زندانیان سیاسی در روز بیستم ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی. با تمام قدرت پیش به سوی برگزاری ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی ایران.

در ۲۰ ژوئن امسال یکبار دیگر اعلام میکنیم زندانیان سیاسی و عقیدتی باید بلادرنگ و بدون قید و شرط آزاد گردند؛ اعدامها باید فوراً متوقف شوند.

لیست برنامه های اعلام شده

ژاپن تکیو

زمان برگزاری: یکشنبه ۱۷ ژوئن
مکان: دفتر اتحادیه آزاد کارگران ژاپن
shinjuku- mest area 4-16
-13, MK bldg F2
furita roudou kumiai

ساعت: ۱۴:۰۰ الی ۱۷:۰۰
سخنران: جمال صابری

تماس: jjsaberi@yahoo.co.jp
برگزارکننده: کمپین کارگران زندانی

سوئد استکهلم

زمان: ۱۸، ۱۹ و ۲۰ ژوئن
ساعت: ۱۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰
تلفن تماس: عزت دولت آبادی

تماس: ۰۰۴۶۷۶۹۴۸۳۲۳۳
مکان: میدان سرگل استکهلم
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

یوتوبوری

زمان: اعلام خواهد شد
مکان: اعلام خواهد شد
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

مالهو

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ از ساعت

۱۴:۰۰ الی ۱۶:۰۰

مکان: دیوید شال سبرون
تماس:

فریده آرمان

۰۰۴۶۷۰۳۶۳۸۰۸۸

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی

بوروس

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

مکان: اعلام خواهد شد

برگزارکننده:

یونشاپینگ

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ از ساعت ۱۱

الی ۱

مکان:

Jonkoping centrum

تماس: آرین ذولفقاری

۰۰۴۶۷۰۰۷۷۳۴۲۳

zolfaghariarian4@gmail.com

برگزارکننده: میشن فری ایران

هلند

آمستردام

زمان: ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲، ساعت ۱۴:۰۰ الی ۱۶:۰۰

مکان: میدان بورس پلین آمستردام

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی

اتریش

وین

مکان:

Innererstadt-
Stephanplatz -Stock im
Eisen-platz nr 3

زمان ۲۰ ژوئن ساعت: ۱۸-۱۶

برگزار کننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

تماس:

roya.chelbea@gmx.at

رویا سمیرا

انگلستان

لندن

۲۰ ژوئن ۲۰۱۲، ۵ عصر الی ۸

شب: زمان و ساعت

مکان: میدان ترافالگار

تماس:

Alireza Rashidi

۰۷۷۱۲۸۱۰۶۷۵

Shiva mahbobi

۰۷۵۷۷۲۳۵۶۶۶۱

برگزار کننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

نروژ

اسلو

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ ساعت

۱۷:۰۰ الی ۱۹:۰۰

مکان: کارل یوهانس گاتا شماره ۲۲

روبروی پارلمان نروژ

تماس: ۴۷ ۴۱۳۳۳۲۶۸ سرور

کاردار

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی - نروژ

آمریکا

نیویورک

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

مکان:

Dag Hammarskjold
Plaza

تماس:

۲۴۰۵۹۵۲۶۳۳
Maria Rohaly,
maria.rohaly@gmail.com

برگزارکننده:

Mission Free Iran is

organizing the 20 June event in New York City

in coordination with Campaign to Free Political Prisoners in Iran, with the support of

Unity for Democracy and

Human Rights in the Middle East.

نیویورک

زمان: ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲

مکان:

Stevens
institute of Technology

Babbio 104, Castle Point
on Hudson, Hoboken

NJ 07030-5991 USA

تماس:

۰۱۷۱۸۳۰۹۱۹۹۶ فرید

برگزارکننده: کمیته برگزاری بیستم

ژوئن

واشنگتن

زمان: ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲

مکان: اعلام خواهد شد

تماس:

۲۴۰۵۹۵۲۶۳۳

Maria Rohaly,
maria.rohaly@gmail.com

برگزارکننده:

Mission Free Iran, Unity
for Democracy in Iran,
Women's Alliance for
Change in Iran, Action
for Democracy and
Human Rights in the
Middle East.

فیلادلفیا

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

مکان: لائو پارک

تماس:

Gigi
Nikpour, digiyaya@gmail.com

برگزارکننده:

Iranian Refugee
Amnesty Network

حمایت کننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

کانادا

وتکور

مکان: اعلام خواهد شد

زمان: اعلام خواهد شد

برگزار کننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

تورونتو

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

ساعت: ۱۷:۰۰ الی ۲۰:۰۰

مکان:

Mel Lastman Square

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی - کانادا

تماس: شادی پاوه

۶۱۳۸۵۷۸۴۵۳

آلمان

ماینز

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ از ساعت ۱۶

الی ۱۹

مکان: در میدان نوی بروئن پلاتس در

ماینس

ما در روز چهارشنبه ۲۲ ژوئیه در

میدان نوی بروئن پلاتس در ماینس

دور هم جمع می شویم تا یاد زندانیان

سیاسی را گرامی بداریم و بدینوسیله

یک قتل خاموش دیگر در زندان رجایی شهر

مهدی زالیه روز ۱۴ خرداد در بیمارستان درگذشت

اسلامی در کمال قساوت او را کشتند.

بنابر گزارشهای رسیده به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وضعیت زندانیان رجایی شهر روز بروز به وخامت میگراید و جان زندانیان سیاسی در این زندان در خطر جدی میباشد. ما از تمامی آزادیخواهان دعوت میکنیم که با اعتراض وسیع به این قتل‌های خاموش زندانیان سیاسی، رژیم جنایتکار اسلامی را افشا کنند و کمک کنند جان این عزیزان را نجات دهیم.

بیایید همه با هم در بیستم ژوئن ۲۰۱۲ برابر با یکم خرداد ۱۳۹۱ قتل‌های خاموش را افشا کنیم و اجازه ندهیم دولتها و مقامات بین المللی چشمشان را بر این جنایات ببندند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
پنجم ژوئن ۲۰۱۲ برابر با
شانزدهم خرداد ۱۳۹۱

مهدی زارعیه در روز ۱۴ خرداد ۱۳۹۱ در بیمارستان رجایی کرج به دلیل عفونت شدید ریوی و عفونت کلیه جاننش را از دست داد.

مهدی زارعیه از اعضای کومله بود که در سال ۱۳۷۱ توسط اطلاعات مهاباد دستگیر شد و بمدت ۲۴ ماه در اطلاعات مهاباد و عمدتاً در سلول انفرادی نگه داشته شد.

در سال ۱۳۸۶ مهدی را از زندان ارومیه به زندان رجایی شهر تبعید کردند.

در سال ۱۳۷۳ در دادگاه انقلاب ارومیه توسط قاضی جلیلی زاده حکم اعدامش صادر شد و در سال ۱۳۸۱ حکم مهدی از اعدام به حبس ابد تغییر کرد.

مهدی زارعیه بیست سال را در سیاهچال‌های رژیم به جرم آزادیخواهی سپری کرد، مهدی روزها و شبها را به امید اینکه آزاد بشود و دوباره به آغوش خانواده اش برگردد گذران و بعد از بیست سال جنایتکاران جمهوری

بیستم ژوئن ۲۰۱۲، سی و یکم خرداد ۱۳۹۱ روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

8-80331 Neuhauser Str
ساعت: ۱۷:۴۵ تا ۱۸:۴۵
برگزارکننده: کانون ایرانیان آزادیخواه
مونخ/آلمان
تماس:
iraniyanemunich@yahoo.de

فرانسه

لیون

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲
مرکز شهر لیون

place Bellecour
ساعت: ۶ عصر
برگزارکننده: انجمن تابلاخازا
تماس:

asso.tablerase@gmail.com

لیون

برنامه ای در حمایت از ۲۰ ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

سخنران: شیوا محبوبی
زمان: ۴ می ۲۰۱۲ ساعت ۶ و نیم عصر
مکان: دانشگاه لیون
برگزار کننده: انجمن تابلاخازا
تماس:

asso.tablerase@gmail.com

های مختلفش چیز زیادی نمیماند، هرچه هم باقی ماند با کمال میل به حضرات نگران اسلام هدیه میکنیم تا دلشان به آن خوش باشد. اما آنهایی که در رکاب خمینی دویند و در ساختن و پرداختن اسلام سیاسی و جنایت هایش سهم داشتند، باید در دادگاه های مردم حساب پس بدهند.

زیر نویس ها:

(۱)
<http://www.bbc.co.uk/blogs/persian/viewpoints/2012/06/post-155.html>

(۲)
<http://www.rowzane.com/index.php/articles-archiev/42-mostafa-s/9931>

زمان: اعلام خواهد شد
مکان: اعلام خواهد شد
تماس:
پدرام رضازاده
۰۱۷۶۴۸۳۲۵۶۱۳
نازنین برومند
۰۱۷۲۴۰۴۴۳۲۳

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
هائوفرف

زمان: اعلام خواهد شد
مکان: اعلام خواهد شد
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
پرومن

زمان: اعلام خواهد شد
مکان: اعلام خواهد شد
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کلن

مکان: اعلام خواهد شد
زمان: اعلام خواهد شد
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
مونخ
زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲
مکان: مونخ

اعلام همبستگی ما را به افکار عمومی نشان دهیم. پس از ساعت ۱۹، بحث پیرامون زندانیان سیاسی در ایران و خاورمیانه
تماس: حشمت توکلی
۰۱۷۹۱۱۷۸۹۸۷

برگزارکننده: مرکز فرهنگی ایران
linkswrts e.v.
iranischeskulturzentrum
e.v we DFG-VK

فرانکفورت

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ از ساعت ۳ الی ۶
مکان:

An der Hauptwache
(Zeil)

تماس: رویا بحرینی
۰۱۵۷۷۳۵۱۸۳۰۰
Royabahrini@gmail.de

محمود قانلی
۰۱۶۳۷۹۰۷۹۴۶

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - آلمان

برلین
زمان: اعلام خواهد شد
مکان: اعلام خواهد شد
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
هامبورگ

ظهور نقی، سوال اکبر گنجی

از صفحه ۱۱

در هر حال نابودی این آلت قتاله سیاسی که اسلام نام دارد نه فقط ممکن که بسیار ضروری است. همین امروز میتوان و باید مذهب را به خلوت مومنان عقب راند و همه امیتازات دولتی، قانونی، اداری، مالی، اجتماعی و فرهنگی را از مذهب و مشخصاً اسلام سلب کرد.

این در واقع کاری است که همین جنبش اخیر حول ظهور نقی و اعتراض به فتوای قتل شاهین نجفی در پی آنست. اگر اسلام سیاسی و دولت اسلامی را پایین بکشید و نابود کنید از خود اسلام و روایت

بله به اندازه تعداد مومنان به اسلام تفسیر و تعبیر از اسلام هست. اما بحث سر نابودی اینها نیست. بحث سر نابودی جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی است. اکبر گنجی به آخرین سنگر دفاع از جمهوری اسلامی اش رسیده است و میخواهد تحت لوای اسلام بعنوان عقیده شخصی از جمهوری اسلامی دفاع کند. او متوجه نیست که دقیقاً خود او دارد گور اسلام بعنوان عقیده شخصی را هم میکند.

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا اینل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با
یاک بودی (کانادا-آمریکا) : تلفن: ۰۱۱-۴۱۶-۷۸۳۳۶۶
۰۱-۴۱۶-۴۷۱۱۷۳۸
ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (غرب کانادا - ونکوور) تلفن: ۰۱-۶۰۴-۷۷۷-۸۸۸۶
zarast@yahoo.ca
ایمیل: zariast@yahoo.ca

در اروپا با
انتشارات نسیم: تلفن: ۰۰۴۶-۰۷۳۲۹۳۹۱۷
nasim_info@yahoo.se
ایمیل: nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان): تلفن: ۰۰۴۴-۰۷۹۵-۹۲۴۴۲۴
jallili@yahoo.com
ایمیل: jallili@yahoo.com

مهن کوشا (آلمان): تلفن: ۰۰۴۹-۰۱۷۲-۲۵۰۵۴۹
mahinkusha@t-online.de
ایمیل: mahinkusha@t-online.de

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!



کنفرانس بین المللی زنان در برزیل موقعیت زنان در برزیل و در جهان، نقش جدید زنان در دنیا با حضور شخصیت‌های سرشناس بین المللی



Local: Grand Hyatt São Paulo
Public: 500 people
Time: 9:00 AM to 6:00 PM

علیه تبعیض
(سازمان دفاع از حقوق زن)
۶ ژوئن ۲۰۱۲

سایت اینترنتی سازمان زنان :

www.tempodemulher.com.br

محل و ساعت شروع کنفرانس در
شهر ساوپائولو برزیل :
Date: July 2, 2012

زنان از ایران
* دیلما روسوف رئیس جمهور
برزیل
* الیانا کالمون از وزارت
دادگستری برزیل
* گرال دو آلمین و لئو الکمین
فرمانداران ایالت ساوپائولو
* روسیسکا داریسی
* هه به کامارگو مجری برنامه
تلویزیون
* الیانه بروم نویسنده و
ژورنالیست
* روسیسکا داریسیست
* مارسلو نری
* لوییز آلبرتو مورنو

این کنفرانس بزرگ تجارب خود را
با بقیه در میان بگذارند.
سازمان دهندگان کنفرانس
از حضور ۵۰۰ نفر در این
کنفرانس حرف میزنند. نمایندگان
احزاب و سازمانهای مدافع حقوق
زن و سازمانهای سیاسی برزیلی در
این کنفرانس حضور خواهند
داشت.

سخنرانان این کنفرانس :

* فوزیه کوفی فعال مدافع حقوق
زن از افغانستان
* مامان ماری نازلی فعال مدافع
حقوق زنان از کنگو
* مینا احدی فعال مدافع حقوق

سازمان زنان برزیلی " تمپو ده
مولهر" در یک کنفرانس بین المللی
با دعوت از شخصیت‌های سرشناس
مدافع حقوق زنان در روز دوشنبه
دوم ماه ژوئیه، به بررسی مبارزات
و اعتراضات زنان در دنیا
میپردازد.

در این کنفرانس قرار است
دیلما روسوف رئیس جمهور برزیل
نیز سخنرانی کند. در معرفی این
برنامه سازمان دهندگان
میگویند، از زنانی که در دنیا
منشا اثر بوده و با زندگی و
فعالیت‌های خودشان تغییرات
محسوسی در زندگی زنان ایجاد
کرده اند، دعوت شده است که در

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!